



**دانشگاه الزهراء (س)**

**دانشکده الهیات**

**پایان نامه**

**جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد**

**رشته فلسفه و کلام اسلامی**

**عنوان**

**تعامل نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا و علامه حسن زاده آملی**

**استاد راهنما**

**خانم دکتر زهره توازینی**

**استاد مشاور**

**خانم دکتر شهناز شایانفر**

**دانشجو**

**حکیمه طاهری جبلی**

**بهمن ۹۲**

دانشگاه الزهراء (س)  
دانشکده الهیات

پایان نامه  
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان  
تعامل نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا و علامه حسن زاده آملی

استاد راهنما  
خانم دکتر زهره توازینی

استاد مشاور  
دکتر شهناز شایانفر

دانشجو  
حکیمه طاهری جبلی

---

سورة الاحقاف

## تقدیم و اهداء

تقدیم به کاملان و عاملان

به حافظان سرّ خدا، به طائران عرشی

به زائران حریم "قاب قوسین او ادنی"

آنانکه باران وجود، از سایه ی آنان بر سر ما باریدن گرفت .

و تقدیم به هادیان کوی دوست

به پرواز در آمدگان در حریم قدس

آن ققنوس صفتان که لذت پروازشان را به مرغان بی بال و پر هدیه می کنند

و کریمانه آرزو دارند تا همه پرواز کنند .

## تشکر و قدردانی

ای اول و ای آخر، و ای ظاهر و ای باطن

ای خورشید جان، ای مطلق وجود، ای که همه چیز از تو آغاز می شود، و با این آغاز، تا رسیدن به اوج تو، پایانی نمی باشد، ای که تویی در وجود من، و من آسوده از بودن تو در مسیر اطوار وجودی ات در سفرم، من به امید رسیدن به نور بی نهایت تو، در التهاب و حرکت، تا در گرمای نوازشگر رضایت تو آرام گیرم، ای وجود، سپاس که مرا نیز وجود کردی

ای پدر جان

ای واسطه ی وجود، ای روح فداکاری، و ای ریشه ی محبت و استقامت، ای که همچون ماه در آسمان زندگی می درخشی، و با نورت، سیاهی ها را کنار زده، و خواهان آنی که ما را به دستان خورشید بسپاری

و ای مادر

ای زیباترین واژه، ای همیشه مهربان، تو همان فرشته ی خدایی که آغوش گرم، و دستان مهربانت، و دیدگان تری، بدرقه ی راه پر پیچ و خم انسانی است، و گذر از صعوبات زندگی، جز در سایه ی محبت های تو محال است، و تو نیز می خواهی که ما را به دستان خورشید بسپاری

و ای همسفرم تا بهشت

و ای نامه رسان عشق، ای که تویی همان محبت ملموس خدا از برای رساندن پیام مهر همیشه اش به من، و تو و نگاه عاشقانه ات، و قلب تپنده ات، و لبان پر خنده ات، نیروی زائد الوصفی برای حرکت به سوی بی نهایت را در من تداعی می کند، تو نیز آمده ای که مرا به دستان خورشید بسپاری

و در آن هنگام که روز فرا می رسد، و دستان خورشید بر سر جانها کشیده می شود، ما نیز به او خواهیم گفت، که هر چه با خود آورده ایم، از معرفتها، شناختها، ولایتها و وحدتها، از خلقت تو، آن فرشتگان را بوده، و ما تو را می ستائیم به خاطر این خلقت زیبا.

## پکیده

مسأله‌ی تعامل نفس و بدن، و چگونگی ارتباط مجرد و مادی، چه در فلسفه‌ی غرب و چه در فلسفه‌ی اسلامی، از گذشته تا به امروز، جزء یکی از مهمترین مسائل و پرسش‌های پیش روی فلاسفه بوده است. وجود نفس و مغایرت آن با بدن، و از طرفی وجود آن دو، به یک وجود و هویت در انسان، مسئله‌ی پیچیده و غامضی است که در فلسفه‌ی غرب هنوز پاسخ واضح و آشکاری برای آن یافت نشده است.

لذا این جستار، کنکاشی است تطبیقی پیرامون رویکردها و راهکارهای دو دیدگاه مختلف در فلسفه‌ی اسلامی، که یک دیدگاه، به بحث و بررسی این مسئله در گذشته و از نظر فلسفه‌ی مشاء، و به زبان شیخ الرئیس بوده و دیدگاه دیگر در زمان معاصر و در زیر پرچم حکمت متعالیه و به زبان علامه حسن زاده آملی می باشد. گرچه فلاسفه‌ی دیگری نیز در این زمینه به بیان نظریات خود پرداخته اند، ولی شیخ الرئیس در فلسفه مشاء و علامه حسن زاده در فلسفه‌ی صدرایی از نوع معاصر آن، علاقه مندی وافر در این زمینه، از خود نشان داده اند.

در این تحقیق ضمن معرفی دیدگاه اجمالی هر یک از فلاسفه‌ی فوق در زمینه‌ی نفس، و بررسی راهکارهای هر یک از آنها، و مقایسه‌ی نقاط ضعف و قوت آنها، می توان به این نتیجه رسید که نفس جوهری مجرد است که ارتباط آن با بدن مادی، از راه پذیرش برخی قواعد فلسفی، که در فلسفه‌ی اسلامی متبلور است، امکان پذیر می باشد. لذا بر این اساس ابتدا دیدگاه دو فیلسوف را به طور اختصار در رابطه با اثبات و تعریف نفس و نحوه‌ی تجرد آن و چگونگی به کار گیری و استفاده از قوا را بیان کرده و در ادامه نحوه‌ی تعامل نفس و بدن، از نوع تعلق و کیفیت آن و اثرات متقابل آن دو بر یکدیگر را مورد بررسی قرار داده و به این نکته می رسیم که نفس، گوهری مجرد است که بدن، مرکب و مرتبه‌ی نازله‌ی او برای انجام امورش می باشد، و لذا نفس غیر از بدن و مزاج بوده، و نیازش به بدن، از طریق تصرف در آن و به جهت استکمال وجودی می باشد. و نفس همواره با بدن خواهد بود، که این بدن در عالم ماده، مادی و عنصری و در عالم غیر ماده، غیر مادی و مثالی خواهد بود.

## کلید واژه ها:

نفس ، بدن ، تجرد ، روح بخاری ، بدن مثالی ، قوا و شئون نفس ، ابن سینا، علامه حسن زاده آملی

## **Abstract**

The problem of interaction between body and soul or the quality of relation between the abstract and matter is an important long-lasting problem of both Islamic and Western philosophy. On one hand, the existence of soul and its distinction from body, and on the other, their existence as one identity in man is a hard and complex problem which, sometimes, answering it is problematic. The present inquiry is an attempt to compare two distinct views in Islamic philosophy, which one of them is belonging to Avicenna as a Peripatetic philosopher, and the other is for Allameh Hasan Zadeh Amoly known as the contemporary follower of Transcendental Wisdom. Both philosophers have great eager on the issue. Briefly looking at each philosopher's view about the problem and studying their solution and analyzing their strong and weak points, the writer comes to this conclusion that soul is an abstract substance, which its relation to body is possible through accepting some rules crystalizing in Islamic philosophy. Therefore, first, the writer is briefly explaining those scholars' arguments and definitions of soul and its immateriality and the quality of its potencies applying, and then dealing with the quality of soul and body interaction and its counter effects on both sides. Finally, soul is an abstract essence and body is as its lower level and under its service. So soul is different from body, which its requirement to body is fulfilled through controlling it in order to have existential perfection. Soul is always with a body which, in this natural world, is material and in the other world is immaterial. About the quality of this interaction, Avicenna believes the existence of an intermediate called vaporous spirit. Allameh Hasan Zadeh also believes that spirit, but at the same time, considers another intermediate called as ideal body.

**Key words:** Soul, Body, Abstraction, Vaporous Spirit, Ideal Body, Potencies and Levels of Soul, Avicenna, Allameh Hasan Zadeh Amolly.

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات.....	2
۱-۱- بیان مسئله ی تمقیق.....	2
۱-۲- مقدمه.....	3
۱-۳- ضرورت و اهمیت تمقیق.....	3
۱-۴- اهداف تمقیق.....	4
۱-۴-۱- اهداف کلی.....	4
۱-۴-۲- اهداف جزئی.....	4
۱-۵- روش تمقیق.....	5
۱-۶- سؤالات تمقیق.....	5
۱-۶-۱- سؤال اصلی.....	5
۱-۶-۲- سؤالات فرعی.....	5
۱-۷- پیشینه ی تمقیق.....	۶
۱-۸- معرفی فصول.....	۷
فصل دوم: بررسی تعامل نفس و بدن در آراء ابن سینا.....	۹
۱-۲- مقدمه.....	۹



## فهرست مطالب

۱۱	.....۲-۲- اهمیت نفس از دیدگاه ابن سینا
۱۲	.....۲-۳- نظام فلسفی ابن سینا
۱۴	.....۲-۳-۱- روش و رهیافت علمی ابن سینا
۱۶	.....۲-۳-۲- روش ابن سینا در نفس شناسی
۲۰	.....۲-۴- تعریف نفس از دیدگاه ابن سینا
۲۶	.....۲-۵- اثبات وجود نفس
۳۰	.....۲-۶- حقیقت و ماهیت نفس
۳۳	.....۲-۷- نفس و قوای آن از دیدگاه ابن سینا
۴۱	.....۲-۸- تجرد نفس و براهین ابن سینا بر آن
۴۵	.....۲-۹- چگونگی پیدایش نفس
۴۹	.....۲-۱۰- تعامل نفس و بدن در آراء ابن سینا
۵۲	.....۲-۱۰-۱- مروری بر دیدگاه ها و رهیافتهای فلاسفه در رابطه با تعامل نفس و بدن
۵۸	.....۲-۱۰-۱-۱- دیدگاه ها و رهیافت های یگانه انگاری
۵۹	.....۲-۱۰-۱-۲- دیدگاه ها و رهیافت های دوگانه انگاری
۶۲	.....۲-۱۰-۲- راهکار فلاسفه ی مسلمان در مورد نحوه ی ارتباط نفس و بدن

## فهرست مطالب

۶۳	۲-۱۰-۳- بررسی تعامل نفس و بدن در نظریات ابن سینا.....
۶۳	۲-۱۰-۳-۱- چيستی روح بخاری و اعتقاد شیخ به وساطت آن.....
۶۳	۲-۱۰-۳-۲- اثبات روح بخاری.....
۶۴	۲-۱۰-۳-۳- روح بخاری و نقش آن در تعلق نفس به بدن.....
۷۳	فصل سوم: بررسی تعامل نفس و بدن در آراء علامه مسن زاده آملی.....
۷۳	۳-۱- مقدمه.....
۷۴	۳-۲- بررسی اندیشه های بنیادین علامه مسن زاده آملی در باب نفس.....
۷۵	۳-۳- جایگاه و اهمیت معرفت نفس در آراء علامه مسن زاده آملی.....
۸۱	۳-۴- تعریف حقیقی نفس از نظر علامه.....
۸۴	۳-۵- ماهیت نفس.....
۸۶	۳-۶- اثبات وجود نفس.....
۸۹	۳-۷- نفس و قوای آن از دیدگاه علامه مسن زاده آملی.....
۱۰۱	۳-۸- اثبات تجرد نفس و ادله ی علامه بر آن.....
۱۰۹	۳-۹- چگونگی پیدایش نفس.....
۱۱۳	۳-۱۰- تعامل نفس و بدن در آراء علامه مسن زاده آملی.....
۱۴۹	فصل چهارم: بررسی مقایسه ای تعامل نفس و بدن در آراء ابن سینا و علامه مسن زاده آملی.
۱۴۹	۴-۱- مقدمه.....
۱۴۹	۴-۲- بررسی و مقایسه در محور روش.....

## فهرست مطالب

۱۵۰	۳-۴- بررسی و مقایسه در محور مبادی و مبانی .....
۱۶۱	۴-۴- بررسی و مقایسه در محور مسأله تعامل نفس و بدن.....
۱۸۰	۴-۴- نتایج پژوهش حاضر.....
۱۸۴	۴-۵- فهرست منابع و مآخذ.....

# ۱- فصل اول

کلیات

## ۱- فصل اول : کلیات

### ۱-۱ بیان مسئله ی تمقیق

بحث از تعامل نفس با بدن، در حوزه ی مسائل نفس و شناخت و معرفت آن مطرح بوده، و ذهن هر متفکری را به خود جلب کرده است. این مطلب وقتی مورد توجه و امعان نظر قرار می گیرد که حقیقت نفس را دارای دو مرتبه ی مجرد و مادی دانسته و در عین حال آن دو را به وجود واحدی در خارج مشاهده کنیم. اعتلای حقیقت انسان را که متشکل از دو بعد جسمانی و روحانی بوده و مسیر از قوه به فعل را، از قوه ی محض آغاز و به سوی کمال فعلیت رهسپار است، در جریان حرکت جوهری و اشتداد وجودی، به راحتی می توان نگریست. لذا چنین به نظر می رسد که نفس انسانی به دلیل پذیرش تکامل و عدم وقوف در مراتب مختلف، جوهری غیر مادی بوده و حقیقتی ورای بدن عنصری می باشد. و مسئله ای که در این زمینه مطرح می شود، لزوم ارتباط مجرد و مادی و چگونگی برقراری این تعامل است به نحوی که وجود نفس به عنوان موجودی ورای ماده و مادیات، و بدن به عنوان موجودی کاملاً مادی پذیرفته شود. انسان به دلیل برخورداری از این دو ساحت مختلف در خود، شایستگی حرکت از فرش تا عرش را یافته، و دارای مراتب و شئون مختلف گردیده است، مرتبه ی بدن، نازلترین مرتبه ی او بوده و مراتب دیگر او از خیال و وهم و عقل و سرّ و خفی و اخفی، دیگر مراتب اوست که از ماده فاصله گرفته است. و او را شایسته ی پذیرش مقام خلیفه الهی کرده است.

### ۱-۲- مقدمه

تیین مراتب و درجات نفس انسانی، که به واسطه ی علم و عمل رشد یافته و از پله های مدارج خود اعتلا یافته است، از دیرباز مورد توجه حکیمان و متألهان بوده است. نکته ی مهمی که باید

بدان توجه نمود، این است که نفس انسان، حدود و مراتب مشخص و محدود ندارد، تا به طور دقیق و مشخص، شناخته شده و احصا گردد. بنابراین بررسی این بحث تا بدان جا اهمیت دارد که مقام و رتبه ی انسان را در مسیر کمال، از توقف در مقام بدن و خیال و عقل، خارج کرده و از حصار ماده می رهاند. و نیز انسان در این مقام چنان است که از مسیر باریک و تنگ «لو دنوت انمله لاحترت» گذر کرده و به مقام «قاب قوسین أو أدنی» می رساند. و اهمیت این بحث زمانی روشن می شود که انسان از ضرورت توجه به احوال و اطوار خود آگاه گردیده و به قول علامه حسن زاده آملی، کتاب وجود خود را دانسته ورق زده. و بداند که انسان جهانی است بنشسته در گوشه ای. و اوست که به مثال خالق خویش خلق گردیده، و قابلیت اوج تا بی نهایت را داراست.

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تمقیق

شناخت نفس و مراتب کمال انسان ممتد و بسیط، از مهم ترین ضرورت های پیش روی بشر است. دانستن این حقیقت و واقعیت که نفس انسان، موجودی مجرد و ابدی بوده و برای او پایانی متصور نمی باشد، ذهن هر بیداری را به فکر فرو برده، که به حقیقت خود، آغاز خود، راه و مسیر خود و نهایت و ابد خود، با نگاه متفکرانه و موشکافانه نگاه کند. و از برخورداری از علوم و مقدمات گرفته تا مسائل، وسایل و ابزار و آلات مورد نیاز این شناخت، دریغ ننموده، و برای حرکت در مسیر این شناخت، به علل مختلف کوتاهی نرزد. و بداند که حرکت در این مسیر، فرع بر شناخت و تدبر می باشد. لذا در این نوشتار سعی شده اندکی از دغدغه های انسانی، پیرامون مسئله ی نفس و بدن، به زبان دو فیلسوف بزرگوار، به تصویر کشانیده شود. گرچه در این راه، کوشش حقیر بسیار ناچیز و اندک بوده و شناخت تمام ابعاد و جزئیات اقوال و آراء آن ها برایم مقدور نبود، و از طرفی جناب علامه به عنوان اندیشمند معاصر، توجه زائدالوصفی به این مقوله داشته است، که احصاء آن به طور مفصل و دقیق، به علل مختلف، برای من میسر نشد. چرا که غواصی در کتب گرانبهای علامه حسن زاده آملی، نیازمند طی طریق و داشتن برخی مقدمات است، ولی علاقه ی وافر اینجانب، و مطالعه

ی کتاب معرفت نفس ایشان در سالهای گذشته، و دیدن نور کلام وی، عاملی برای حرکت در این مسیر گردید.

## ۱-۴- اهداف تمقیق

### ۱-۴-۱- اهداف کلی

اهداف کلی این تحقیق شناخت نحوه ی تعامل نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا و علامه حسن زاده آملی است .

### ۱-۴-۲- اهداف جزئی

- ۱- شناخت نفس ، مراتب و خصوصیات آن و بررسی چگونگی ارتباط آن با بدن از دیدگاه ابن سینا.
- ۲- شناخت نفس و ویژگی های آن و بررسی نحوه ی تعامل نفس با بدن در آراء علامه حسن زاده آملی.
۳. تبیین وجوه اشتراک و اختلاف در آراء ابن سینا و علامه حسن زاده آملی در مبانی بحث نفس و ارتباط آن با بدن.

## ۱-۵- روش تمقیق

روش تحقیق در این نوشتار، از نوع پژوهش های کتابخانه محور یا کتابخانه ای بوده است، که در واقع مبتنی بر بهره وری از اسناد و مدارک موجود در این زمینه می باشد. و این پژوهش به اعتبار ماهیت و روش، توصیفی، و به اعتبار موضوع، عقلی می باشد. از نظر روش تحلیل محتوای مطالب نیز به شرح زیر می باشد:

الف. شناسایی کتب و منابع مرتبط با موضوع

ب. مطالعه ی کتب و جمع آوری و گردآوری مطالب و شواهد در ارتباط با موضوع

ج. دسته بندی و تبیین و تفسیر مطالب

د. بررسی و نتیجه گیری

## ۱-۶- سوالات تمقیق

### ۱-۶-۱- سؤال اصلی

انسان به عنوان موجودی که دارای دو بعد متمایز از هم بوده و در عین تمایز، در یک حقیقت وجود پیدا کرده است. پس چگونه می توان نحوه ی رابطه ی نفس با بدن را در او توجیه کرد؟

### ۱-۶-۲- سوالات فرعی

۱- آیا از نظر ابن سینا، با وجود تمایز در وجود نفس با بدن، برای برقراری ارتباط میان آن دو نیازمند وجود واسطه هستیم یا خیر؟

۲- نحوه ی ارتباط نفس با بدن از نظر علامه حسن زاده چگونه است؟ آیا ایشان نیز به وجود رابط و واسطه میان آن دو قائلند؟

۳- آیا جناب ابن سینا و علامه حسن زاده آملی در پاسخگویی به چگونگی برقراری این ارتباط به نتایج واحدی رسیده اند یا خیر؟

## ۱-۷- پیشینه ی تمقیق

بحث از چگونگی تعامل نفس و بدن، موضوعی است که ذهن هر انسان طالب حقیقتی را، به خود مشغول کرده است، لذا می توان سابقه و پیشینه ی موضوع را به دوران آغاز شکل گیری مباحث فلسفی در تاریخ بشریت برگرداند. فلسفه ی یونان در مغرب زمین و خصوصاً فیلسوفان نو افلاطونی، و ارسطو بیشتر از دیگران در طرح بحث از نفس، داد سخن داده اند. در فلسفه ی اسلامی نیز حکیمان بزرگی همچون فارابی، کندی، خواجه نصیر طوسی، فخر رازی، ابن سینا و ملاصدرا و تعداد دیگری از علما، در عصر گذشته رساله های متعددی را در این باب نوشته اند. البته بسیاری از دانشجویان عصر حاضر نیز، مطالبی را در این موضوع با عناوین گوناگون به رشته ی تحریر در آورده



اند. از جمله پایان نامه هایی با عناوین : بررسی نفس از دیدگاه ابن سینا و تبیین دلالت های تربیتی آن، ارتباط قوای نفس با نفس و نفس با بدن از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا و یا رابطه ی نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا و لایب نیتس.

البته اندیشمندانی همچون علامه حسن زاده آملی نیز که به فرموده خود، خوشه چین خرمن بزرگان می باشند، چندین کتاب مختلف به زبان فارسی و عربی در معرفت نفس و احوال آن نوشته اند. که بررسی نظریات ایشان در این زمینه خالی از لطف نیست. البته در رابطه با مبحث نفس، آثار مختلفی از دانشجویان به چشم می خورد، آثاری چون بررسی نفس از دیدگاه ابن سینا و تبیین دلالت های تربیتی آن، و ارتباط نفس و بدن از دیدگاه ابن سینا با تاکید بر آراء فلسفی طبی ابن سینا، از دانشگاه اصفهان. و یا ارتباط قوای نفس با نفس و نفس با بدن از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا، از دانشگاه فردوسی مشهد. که تمامی آثار نوشته شده در این رابطه، بررسی مسئله نفس از دیدگاه های مختلف بوده و بررسی این موضوع از دیدگاه علامه حسن زاده در میان این آثار خالی بود، لذا در این اثر سعی بر آن شد که این موضوع از دیدگاه ایشان نیز مطرح و نکات ارزنده ایشان در این موضوع نیز مورد توجه علاقه مندان به مسئله ی نفس قرار گیرد.

علامه حسن زاده گرچه از شارحان فلسفه ی حکمت متعالیه می باشند، ولی ویژگی بارز آثار ایشان، اختصاص دادن مباحث نفس در فصول جداگانه و ترتیب و نظم دادن به آن، و بیان لوازم، اصول، و ارائه ی نظریات دانشمندان دیگر از علما تا عرفا در سلسله بحث های ایشان است که دستیابی به مطالب را سهل و آسان کرده، و نقیصه ی آثار گذشتگان را تکمیل نموده است. ایشان آثار ملاصدرا را شرح و بسط بیشتری داده، و علاوه بر اقامه ی ادله و براهین فلسفی، بر اثبات نفس و مراتب آن، پیوندی به نقل زده و به ذکر آیات و روایات در این رابطه، و نیز تطبیق آن با عرفان اسلامی و مبانی آن همت گمارده اند. گرچه ایشان خود را شارح حکمت متعالیه می دانند ولی در بسیاری از مسائل فلسفی دیدگاه های تأسیسی و ابداعی دارند که توجه به آن موارد در بسیاری از موارد راه گشا و باعث مزید امتنان طالبان راه حق و حقیقت گشته است.

## ۱-۸- معرفی فصول

این پایان نامه در راستای بحث از چگونگی ارتباط نفس و بدن، از دیدگاه ابن سینا و علامه حسن زاده آملی در چهار فصل تهیه و تنظیم شده است. فصل اول که به عنوان مقدمه، تنها کلیات تحقیق را بیان می‌دارد.

در فصل دوم با ورود به بحث نفس و نحوه ی تعامل آن با بدن از دیدگاه ابن سینا، به تعریف از نفس و بیان ویژگی ها و مراتب آن پرداخته و نظرات شیخ الرئیس را در حل مسئله ی نفس و بدن جویا می‌شویم.

در فصل سوم بار دیگر بحث نفس را از منظر علامه چنین آغاز می‌کنیم که ابتدا به تعریف و تبیین نفس و بیان قوا و شئون آن پرداخته، و در آخر به بیان راهکار ایشان در زمینه ی حل مسئله ی نفس مجرد و بدن مادی می‌پردازیم.

فصل چهارم در واقع فصل آخر بوده که در آن بررسی تطبیقی میان آراء ابن سینا و علامه حسن زاده آملی صورت می‌گیرد و راهکارهای آن‌ها در حل چگونگی ارتباط میان نفس و بدن به طور مقایسه ای بیان می‌گردد.

## ۲- فصل دوه

بررسی تعامل نفس و بدن در آراء ابن سینا

## ۲- فصل دوم : بررسی تعامل نفس و بدن در آراء ابن سینا

### ۲-۱- مقدمه

در آن هنگام که پروردگار عالم، با علم و اراده و قدرت خویش، مشتی خاک را کیمیا می کرد، و خلعت خلیفه الهی را بر اندام انسانی می پوشانید، و از روح مافوق عرشی خود بر جسم خاکی و بی جان آدمی، می دمید، و در آن هنگام که ملائک خویش را ندا می داد که " إني جاعلٌ في الأرضِ خليفه " به راستی هدف خلقت و انگیزه ی آفرینش او، در شکوه به فعلیت رسیدن و شکوفایی نفس انسانی خلاصه می شد. در شکوهی بس عظیم که "هو" خود را در خطه ی خاک، و با روحی مافوق افلاک نظاره گر باشد، چرا که خود گفت که " كنتُ كنزاً مخفياً فأحببتُ أن أُعرَف " او هدف خلقت را در آدمی خلاصه کرد و به این خلقت خویش مباحثات نموده، "فتبارك الله أحسن الخالقين " گفت. خلقت موجودی ناشناخته که تنها خود، و عده ای از ره یافتگان به کوی او، از غایت آن با خبرند. و چه خوش است حال با خبران از غایت خلقت خالق، مخلوق را. اما آنچه هویت انسان را تشکیل می دهد، همان نفس ناطقه ی اوست که همواره در طول تاریخ تفکر بشر، مورد توجه و مذاقه ی اندیشمندان و متفکران بوده، و انسان کنجکاوانه به دنبال شناخت حقایق موجودات عالم، به ویژه شناخت حقیقت نهفته در درون خویش است. بدین ترتیب یکی از دغدغه های اساسی آدمی در طول تاریخ بشریت، شناخت ویژگی ها، اوصاف و احوال انسان و احصاء حالات و ابعاد مادی و روحانی وی است. بنابراین اینکه فلاسفه ی اسلامی به دنبال تعریف نفس ناطقه ی انسانی و خصوصیات و ویژگی های آن و کشف چگونگی تعامل نفس مجرد و بدن مادی بوده، و در هر برهه ای از زمان ذهن خردمند خویش را معطوف به تحقیق موشکافانه و نقادانه در مورد این مخلوق شگفت آور کرده اند، نشان از وجود ناگفته هایی از این وجود الهی دارد. البته از نظر ابن سینا، نفس انسانی و چگونگی ارتباطش با بدن، تا آن اندازه مورد اهمیت و توجه بوده است که ایشان در زمینه ی نفس شناسی، آثار مختلفی را به منصفه ی ظهور رسانیده، و از بی خبری مردم از تصرف نفس بر بدن خویش چنین می گویند: « مردم از جذب آهن ربا، آهن را تعجب می کنند، و از جذب و